

کتاب دانیال - شماره صد و پنجاه و چهار

درک آخرین رؤیای دانیال: اهمیت بلطشصر و آشکار شدن نبوت

Jeff Pippenger

2024-03-23

آخرین رؤیای دانیال شامل سه فصل پایانی است. اولین آن فصل‌ها، همچون آخرین آن سه فصل، تجربه دانیال را شرح می‌دهد، و فصل میانی تاریخ نبوی‌ای را شرح می‌دهد که به خیزش و سقوط نهایی پادشاه جعلی شمال می‌پردازد. فصل نخست همانند فصل آخر است، و فصل میانی نمایانگر سرکشی پادشاه جعلی شمال است. آخرین رؤیای دانیال، رؤیای رود هیدکل، امضای آلفا و امگا، که خود حقیقت است، را بر خود دارد. اکنون که به آخرین رؤیای دانیال می‌پردازیم، از آیه یک آغاز خواهیم کرد.

در سال سوم کوروش پادشاه پارس، امری به دانیال، که نامش بلطشصر بود، مکشوف شد؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱:۱۰.

چندین حقیقت در این آیه نهفته است. نخستین آن‌ها نام دانیال، «Belteshazzar»، است.

رئیس خواجه‌سرایان به ایشان نام‌هایی داد؛ زیرا به دانیال نام بلطشصر داد، و به حننیا شدرک، و به میثائیل میشک، و به عزریا عبدنغو. دانیال ۱:۷

دانیال در باب اول نام «بلطشصر» را دریافت کرد، و تا پیش از معرفی آخرین رؤیایش دیگر هرگز «بلطشصر» خوانده نمی‌شود. از این رو، «بلطشصر» نام او در نخستین و آخرین شهادتش است. تغییر نام در نبوت نماد رابطه عهدی میان خدا و قوم اوست. وقتی خداوند با ابرام و سارای عهد بست، نام‌هایشان را به ابراهیم و سارا تغییر داد. او نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد، و وعده می‌دهد که به قوم عهد آخرالایام خود نامی نو ببخشد.

به خاطر صهیون ساکت نخواهم ماند، و به خاطر اورشلیم آرام نخواهم گرفت، تا عدالتش چون روشنایی برآید و نجاتش چون مشعلی افروخته بدرخشد. و امت‌ها عدالت تو را خواهند دید و همه پادشاهان جلال تو را؛ و تو به نامی تازه خوانده خواهی شد، که دهان خداوند آن را نام خواهد نهاد. اشعیا ۱:۶، ۲.

او به فیلادلفیان، که همان صد و چهل و چهار هزار نفر ایام آخرند، این وعده را نیز می‌دهد.

آن که پیروز شود، او را ستونی در هیكل خدای من خواهم ساخت، و دیگر هرگز از آن بیرون نخواهد رفت؛ و نام خدای من را بر او خواهم نوشت، و نام شهر خدای من را، یعنی اورشلیم جدید که از آسمان از نزد خدای من فرود می‌آید؛ و نام جدید خود را بر او خواهم نوشت. آن که گوش دارد، بشنود آنچه روح به کلیساها می‌گوید. مکاشفه ۳:۱۲، ۱۳.

پیامبران قوم خدا در ایام آخر را به تصویر می‌کشند، و بر خلاف ابراهیم، ساره و اسرائیل، معنای دقیق «بلطشاصر» ناشناخته است. نامی که خدا به قوم ایام آخر خود می‌دهد تا رابطه عهدی‌اش را نمایان کند، تا زمانی که آن را به آنان عطا کند ناشناخته می‌ماند. نام «بلطشاصر» نشان می‌دهد که دانیال نماینده قوم عهد خدا، یعنی فیلادلفیا، در ایام آخر است؛ اما نام واقعی تا هنگام مهر شدن پنهان است، زیرا آن نام بر پیشانی‌هایشان نوشته می‌شود؛ همان‌جایی که مهر نیز نوشته می‌شود.

و دیدم، و اینک بره‌ای بر کوه صهیون ایستاده بود و با او صد و چهل و چهار هزار نفر بودند که نام پدرش بر پیشانی‌هایشان نوشته شده بود. مکاشفه ۱:۱۴.

دانیال در باب اول و سپس در باب دهم «بلتشصر» خوانده می‌شود، و بدین‌سان خود را به‌عنوان نمادی از جنبش فرشته اول، و جنبش فرشته سوم معرفی می‌کند؛ زیرا باب اول نمایانگر پیام فرشته اول است، چنان‌که پیش‌تر در مقالات پیشین به تفصیل توضیح داده شد. از این‌رو باب دهم نماینده جنبش فرشته سوم و قوم عهد در روزهای آخر است. آن آیه سپس بلتشصر را نماد کسانی معرفی می‌کند که افزایش دانشی را که در جنبش اصلاحی آغاز شده در سال ۱۹۸۹ مهرش برداشته شد، درمی‌فهمند. این امر با تأکید بر آنچه دانیال (بلتشصر) می‌دانست، نشان داده می‌شود.

از دانیال چنین یاد می‌شود که «آن چیز» را می‌دانست که «بر دانیال مکتشف شد»، «و آن چیز راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن چیز را فهمید و از رؤیا ادراک داشت.» دانیال «آن چیز» را فهمید و نیز «رؤیا» را. واژه عبری «dabar» در این آیه به «چیز» ترجمه شده و به معنای «کلمه» است. از نظر نبوتی، «کلمه» هم نمایانگر رؤیای «هفت بار» است و هم نمایانگر مسیح که کلمه است. هم «هفت بار» و هم مسیح همان صخره‌ای هستند که بنایان رد کردند، و دانیال نماینده قومی است که هر دو جنبه نمادین «کلمه» را می‌فهمند.

در دانیال باب نهم، آیه بیست‌وسه، یکی از مهم‌ترین آیات مرتبط با نبوت‌های زمانی دو هزار و سیصد سال و دو هزار و پانصد و بیست سال را می‌یابیم؛ نبوت‌هایی که در پرسش دانیال باب هشتم، آیه سیزده، و پاسخ در آیه چهارده مطرح شده‌اند. پرسش این است: «این رؤیای «chazon» که پایمال شدن قدسگاه و لشکر را—که ابتدا به دست بت‌پرستی و سپس پاپیسم انجام شد—مشخص می‌کند، تا چه مدت خواهد بود؟» این پایمال شدن به مدت دو هزار و پانصد و بیست سال به طول انجامید، در تحقق «هفت بار» لاویان باب بیست‌وشش.

پاسخ پرسش آیه سیزدهم این بود: تا دو هزار و سیصد سال؛ آنگاه قدس‌گاهی که پایمال شده است، تطهیر خواهد شد، و رؤیای «ماره» درباره دو هزار و سیصد سال آن دو پیشگویی زمانی را به هم پیوند می‌دهد، و در آیه بیست‌وسوم باب نهم دانیال، جبرئیل دانیال را راهنمایی می‌کند تا رابطه آن دو رؤیا را دریابد.

در آغاز تضرعات تو فرمان صادر شد و من آمده‌ام تا تو را آگاه سازم؛ زیرا تو بسیار محبوبی. پس امر را بفهم و رؤیا را ملاحظه کن. دانیال ۹:۲۳

کلمه‌ای که در آیه هم به صورت «بفهم» و هم «تأمل کن» ترجمه شده، واژه عبری «biyn» است و به معنای «در ذهن جدا کردن» است. جبرئیل به دانیال می‌گوید میان «امر» و «رؤیا» جدایی ذهنی قائل شود. «رؤیا» در آن آیه واژه عبری «mareh» است و منظور رؤیای دو هزار و سیصد ساله‌ای است که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت. واژه عبری‌ای که به «امر» ترجمه شده، همان واژه‌ای است که در آیه یک فصل ده به «چیز» ترجمه شده است. آن واژه عبری «dabar» است و نمایانگر رؤیای دو هزار و پانصد و بیست ساله‌ای است که آن نیز در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید.

در آیه نخست باب دهم، قوم عهدی خدا در ایام آخر به بلتشاصر مُمثل شده‌اند، و آنان افزونی معرفتی را که در زمان انتها در سال ۱۹۸۹ فرا رسید، دریافته‌اند؛ امری که ایشان را قادر ساخت پیوند دو رؤیا را دریابند، پیوندی که پیروان میلر در جنبش فرشته نخستین تنها به‌گونه‌ای جزئی آن را فهمیده بودند. در آن آیه، رؤیایی که به صورت «امر» بازنموده شده، به‌عنوان طولانی‌تر آن دو نبوت شناخته می‌شود؛ زیرا در میان دو ارجاع آیه به «امر»، دانیال تصریح می‌کند که وقت معین آن «امر» (dabar) (dabar) در نسبت با رؤیا (mareh)، «طویل» بود.

در سال سوم کوروش پادشاه پارس، امری به دانیال، که نامش بلطشصر بود، مکشوف شد؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱۰:۱.

ادونتیسم لاودیکیه‌ای، با تکیه بر بخشی که آن را برای هلاکت خود تحریف می‌کنند، این حقیقت ظریف را انکار می‌کند که «هفت زمان» طولانی‌ترین نبوت زمانی‌ای است که پیروان میلر اعلام کردند. با رد کردن «هفت زمان» در ترمذ ۱۸۶۳، آنان رابطه آن دو نبوت را نمی‌بینند و فقط می‌توانند، یا فقط می‌خواهند، بخش بعدی را به‌عنوان مشخص‌کننده دو هزار و سیصد سال ببینند.

تجربه شاگردانی که در نخستین ظهور مسیح «انجیل پادشاهی» را موعظه می‌کردند، همتایی داشت در تجربه کسانی که پیام ظهور دوم او را اعلام کردند. همان‌گونه که شاگردان بیرون رفتند و موعظه می‌کردند: «زمان به کمال رسیده است، پادشاهی خدا نزدیک است»، به همان‌سان میلر و همکارانش اعلام کردند که طولانی‌ترین و واپسین دوره نبوی که در کتاب مقدس مطرح شده بود، در آستانه انقضا بود، داوری نزدیک است و پادشاهی جاودان قرار بود برقرار شود. موعظه شاگردان درباره زمان بر هفتاد هفته دانیال باب ۹ مبتنی بود. پیامی که میلر و همکارانش دادند، پایان ۲۳۰۰ روز دانیال ۸:۱۴ را اعلام می‌کرد که هفتاد هفته بخشی از آن است. موعظه هر یک بر تحقق بخشی متفاوت از همان دوره بزرگ نبوت استوار بود. مناقشه بزرگ، ۳۵۱.

منطق نهفته در این فراز آخر را از دست ندهید. ادونتیسم لاودیکیه‌ای به جهان نمی‌گوید که میلریتی‌ها می‌پنداشتند قدسی که باید تطهیر شود، قدس آسمانی است، زیرا آنان، و هر کس که بخواهد به سابقه تاریخی بنگرد، می‌دانند که میلریتی‌ها باور داشتند قدسی که باید تطهیر شود، زمین است. آن فرازی که ادونتیسم لاودیکیه‌ای به زبان خود تحریف می‌کند این است: «پس میلر و همکارانش اعلام کردند که طولانی‌ترین و آخرین دوره نبوی که در کتاب مقدس مطرح شده، در آستانه انقضا بود»، و آنان بر این اصرار دارند که این همان دوهزار و سیصد سال دانیال، فصل هشتم، آیه چهاردهم است.

کتاب‌های تاریخی خود ادونتیسم گواهی می‌دهند که سیصد واعظ پیرو میلر همگی در موعظه‌های خود از نمودار پیشگام ۱۸۴۳ استفاده می‌کردند، و بر روی آن نمودار، و نیز در سایر شواهد تاریخی، به‌روشنی تمام مشهود است که «هفت زمان» (دو هزار و پانصد و بیست سال) همان نبوتی بود که آن را به‌عنوان «طولانی‌ترین و آخرین دوره نبوی» معرفی می‌کردند و «در شرف پایان» بود. به سبب سرکشی سال ۱۸۶۳، زمانی که سنگ‌بنای «هفت زمان» را رد کردند، اکنون کورکورانه اصرار دارند که خواهر وایت در آن بخش از کتاب «نبرد عظیم» در حال بازنویسی تاریخ تثبیت شده است.

در آیه نخست باب دهم کتاب دانیال، بلطشصر نمایانگر قوم خدا در ایام آخر است، و آنان هر دو، پرسش و پاسخ باب هشتم دانیال، آیات سیزدهم و چهاردهم را که خواهر وایت آنها را به‌عنوان بنیاد و ستون مرکزی ایمان ادونتیستی شناسایی می‌کند، درک می‌کنند. در همان آیه، دانیال با تصویری که عرضه می‌کند، تمایزی برقرار می‌سازد میان قوم عهدی خدا در ایام آخر و ادونتیسم لاودیکیه‌ای؛ زیرا قوم عهدی خدا همان کسانی‌اند که افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ را درک می‌کنند.

در سال سوم کوروش پادشاه پارس، امری به دانیال، که نامش بلطشصر بود، مکشوف شد؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱۰:۱.

آیه نخست سرآغاز رؤیایی است که نزد رودخانه جدقل عطا شد و در باب دوازدهم پایان می‌یابد. همان‌جاست که برداشته شدن مهر از کتاب دانیال در زمان پایان را می‌یابیم؛ از این رو بازنمایی دانیال به‌منزله کسی که هم «امر» و هم «رؤیا» را درمی‌یابد، با کسانی که می‌فهمند و به‌عنوان «حکیمان» شناخته می‌شوند پیوند دارد، در تقابل با آنان که نمی‌فهمند و به‌عنوان «شریران» شناخته می‌شوند. در آیه دهم باب دوازدهم، تمایز میان این دو طبقه نمایانده شده است.

بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیربران شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شیربران نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. دانیال ۱۰:۱۲

«دانیان» می‌فهمند و شیربران نمی‌فهمند، و واژه‌ای که به «فهمیدن» ترجمه شده همان واژه‌ای است که در آیه بیست‌وسوم باب نهم شناسایی کردیم. این واژه عبری «biyn» است، که به معنای «جدا کردن ذهنی» است. شیربران افزایش دانش را درک نمی‌کنند، زیرا حاضر نیستند میان آن دو رؤیایی که حقایق به‌شمار می‌آیند و در آیه یک—آنجا که او به‌جای دانیال «بلطشاصر» نامیده می‌شود—فهم آنها به او نسبت داده شده است، تمایز ذهنی قائل شوند. در آیه یک، او به‌عنوان قوم عهد خدا در زمان آخر معرفی می‌شود، و به‌عنوان کسانی که دو رؤیا را می‌فهمند—آن دو رؤیایی که قوم خدا باید میانشان تمایز ذهنی قائل شود—شناخته می‌شود. عیسی پایان چیزی را با آغاز آن نشان می‌دهد، و در باب دوازدهم، دانیان کسانی هستند که نبوت دوهزار و سیصد سال را می‌فهمند و رابطه مستقیم آن با «طولانی‌ترین و آخرین» نبوت زمانی، یعنی دوهزار و پانصد و بیست سال، را درمی‌یابند.

ما مطالعه خود را درباره آخرین رؤیای دانیال در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

قوم من از کمبود معرفت هلاک می‌شود؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

و شما نیز، مانند سنگ‌های زنده، به صورت خانه‌ای روحانی بنا می‌شوید، برای کهناتی مقدس، تا قربانی‌های روحانی تقدیم کنید که به واسطه عیسی مسیح نزد خدا پسندیده است. از این رو در کتاب مقدس نیز آمده است: «اینک در صهیون سنگ زاویه‌ای برگزیده و گرانبها می‌نهم، و هر که بر او ایمان آورد هرگز شرمنده نخواهد شد.» پس برای شما که ایمان دارید، او گرانبهاست؛ اما برای نافرمانان، همان سنگی که بناها رد کردند، به سر زاویه تبدیل شده است، و سنگ لغزش و صخره لغزش، برای آنان که به سبب نافرمانی در کلام می‌لغزند؛ و برای همین نیز مقرر شده بودند. اما شما نسل برگزیده، کهنات سلطنتی، امتی مقدس و قومی خاص هستید؛ تا فضایل آن را که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیزش فراخواند، اعلام کنید؛ شما که در گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خداییید؛ که رحمتی نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. اول پطرس ۲:۵-۱۰.

و این را بدانید که شکیبایی خداوند ما نجات است؛ همان‌گونه که برادر محبوب ما، پولس، نیز بر حسب حکمتی که به او داده شده، به شما نوشته است؛ و او در همه رساله‌های خود نیز، چون از این امور سخن می‌گوید، از چیزهایی یاد می‌کند که فهمشان دشوار است؛ چیزهایی که ناموختگان و بی‌ثباتان آنها را، همان‌گونه که دیگر کتب مقدس را نیز، برای هلاکت خود، تحریف می‌کنند. پس ای عزیزان، چون از پیش این امور را می‌دانید، برحذر باشید مبادا شما نیز به‌سبب گمراهی شیربران منحرف شده، از استواری خود فرو افتید. دوم پطرس ۱۵:۱۳-۱۷

این چیزها را به آنان یادآوری کن و در حضور خداوند به ایشان سفارش کن که بر سر کلمات بی‌سود، که جز تباهی شنوندگان ثمری ندارد، ستیزه نکنند. بکوش تا خویشتن را نزد خدا مقبول بنمایی، کارگری که شرمسار نباشد و کلام حقیقت را به‌درستی تعلیم دهد. اما از یاهوگی‌های بی‌حرمت و پوچ بهره‌یز، زیرا به بی‌دینی بیشتر خواهند افزود. ۲ تیموتائوس ۱۴:۱۶-۲.